

یادداشت

چرا ترامپ برنده محاصره نمی‌شود؟

مهدی عرب‌صادق

گاهی برای فهم یک بازی بزرگ، باید از صفحه شطرنج فاصله گرفت. دو ماه است که جهان نظاره‌گر رویارویی واشینگتن و تهران بر سر تنگه هرمز است؛ رویارویی‌ای که با حملات هوایی آغاز شد، با محاصره دریایی ادامه یافت و اکنون به آتش‌بسی شکننده و مبهم رسیده است. ترامپ در ضیافت شام با پادشاه بریتانیا، این جنگ را «یک کار کوچک خاورمیانه‌ای» نامید. این جمله را باید جدی گرفت، نه به خاطر محتوایش، بلکه به خاطر ذهنیتی که پشت آن نهفته است: ذهنیت یک تاجر املاک که فکر می‌کند همه چیز را می‌شود خرید، فروخت یا با زور گرفت. اما انرژی، ژئوپلیتیک و اراده یک ملت، از جنس برج‌های منهن ن‌نیستند. آنچه در ادامه می‌آید، تلاشی است برای ارائه یک مدل تحلیلی منسجم از چرایی شکست راهبردی پروژه ترامپ در برابر ایران؛ مدلی که بر سه ستون استوار است: زمان، مسیر و اهرم. این سه مفهوم، چارچوبی علمی و درعین‌حال ساده برای فهم اینکه چرا ایران در این نبرد فرسایشی پیروز خواهد شد، به دست می‌دهند. راهبرد ترامپ یک معمای پیچیده نیست؛ یک فرمول ساده و خام است: محاصره دریایی برای قطع صادرات نفت ایران، فشار اقتصادی برای فروپاشی از درون و تهدید نظامی برای وادارکردن تهران به تسلیم کامل. اسکات بسنت، وزیر خزانه‌داری آمریکا، گفت صنعت نفت ایران «تحت فشار محاصره دریایی به زانو درآمده و به‌زودی فروخواهد یاشید». ترامپ نیز با همان ادبیات همیشگی‌اش، مدعی شده ایران «برای رسیدن به توافق لحظه‌شماری می‌کند». این ادبیات را باید در ترازوی واقعیت سنجید. بگذارید ببینیم چه چیزی در این سوی میز در حال رخ‌دادن است. درست است که صادرات نفت ایران در نیمه دوم آوریل در مقایسه با ماه مارس کاهش یافته است. کشتی‌ها در لنگرگاه‌ها متوقف شده‌اند و فضای ذخیره‌سازی در جزیره خارک به ۷۴ درصد ظرفیت رسیده است. اینها فشارهای واقعی‌اند و انکارشان نمی‌کنم، اما ترامپ و تیمش از سه واقعیت راهبردی غافل‌اند که مانند تیغه‌های یک قیچی، راهبردشان را از ریشه قطع خواهد کرد. واقعیت اول: زمان به نفع واشگتن نیست. وزارت خزانه‌داری آمریکا به‌تازگی اعلام کرد هر شرکت بیمه یا کشتی‌رانی که به ایران بابت عبور از تنگه هرمز عوارض پرداخت کند، با مجازات‌های سنگین از جمله حبس ابد مواجه خواهد شد. این یعنی واشنگتن نه‌تنها مسیر دریایی، بلکه اساسا هرگونه تعامل مالی با ایران بر سر تنگه را جرم‌انگاری کرده است، اما بهای این سیاست چیست؟ حق بیمه جنگ برای عبور از تنگه هرمز از ۰.۱۲۵ درصد ارزش بدنه کشتی در شرایط عادی، به ۱.۵ تا سه درصد جهش کرده است. برای یک نفتکش غول‌پیکر ۱۳۸ میلیون دلاری، این یعنی هزینه‌ای بین ۱۰ تا ۱۴ میلیون دلار برای هر سفر. این اعداد نجومی، عملا تجارت دریایی در خلیج فارس را فلج کرده است. در نتیجه، قیمت نفت برنت از ۶۹ دلار در سال ۲۰۲۵ به بالای ۱۱۱ دلار در ماه می ۲۰۲۶ جهش کرده است. و این یعنی تورم داخلی در آمریکا بالا رفته، قیمت بنزین جهش کرده و محبوبیت ترامپ به پایین‌ترین سطح دوران ریاست‌جمهوری‌اش سقوط کرده است. بانک جهانی هشدار داده این بحران می‌تواند بزرگ‌ترین شوک قیمتی به کالاهای اساسی از سال ۲۰۲۲ تاکنون باشد.

یک ساعت لوتزین اتوماتیک با صفحه‌شماره ۷

افزایش قیمت‌ها و جنگ، بازار کار زن‌های کشور را کوچک‌تر کرد

زنانِ بازنده تورم



مجمع جهانی اقتصاد گزارش می‌دهد ایران از نظر شکاف جنسیتی از ۱۴۶ کشور در رتبه ۱۴۳ قرار می‌گیرد. این در حالی است که مطابق گزارش مؤسسه مشاوره مک‌کینزی چنانچه نابرابری جنسیتی در بازار کار کشور رفع شود، عدد قابل توجه ۳۷۶ میلیارد دلار به تولید ناخالص ملی کشور افزوده می‌شود. هم‌اکنون تورم بالا و جنگ سبب شده است زنان در بازار کار بیشتر از همیشه زیر فشار قرار بگیرند. براساس گزارش مرکز معاونت زنان و خانواده ریاست‌جمهوری، در شرایط فعلی حدود یک‌سوم متقاضیان بیمه بیکاری، زنان بوده‌اند. این در حالی است که سهم زنان از بازار کار فقط ۱۵ درصد است و همین آمار به‌خوبی گویای این است که شمار زنان بیکار شده در شرایط فعلی بیشتر از مردان بوده است. گذشته از این، آمار بازار کار در زمستان هم گذشته هم نشان می‌دهد مردان جایگزین مشاغل زنان شده‌اند. براساس گزارش مرکز آمار ایران در زمستان سال گذشته ۲۳۳ هزار اشتغال از سمت زنان کاسته شده و ۲۹۰ هزار نفر به اشتغال مردان اضافه شده است. هرچند کارشناسان بازار کار تاکید دارند شرایط فعلی بازار کار هم زنان و هم مردان را زیر فشار قرار داده است، اما تاکید می‌کنند وضعیت برای زنان نامساعدتر است.

کارشناسان چه می‌گویند؟

زهره کریمی، اقتصاددان و کارشناس بازار کار، به «شرق» می‌گوید وقتی یک اقتصاد بنا به عوامل مختلف کوچک شود، فقر پدیده همه‌گیر می‌شود و در این میان گروه‌های آسیب‌پذیر لطمه بیشتری می‌بینند. او توضیح می‌دهد: دشوار شدن تأمین مواد اولیه، افزایش قیمت‌ها را اجتناب‌ناپذیر کرده است و افزایش قیمت، قدرت خرید مردم را کاهش می‌دهد و بازار، نگاه‌های اقتصادی را کوچک‌تر می‌کند. در چنین شرایطی نگاه‌های اقتصادی آسیب‌پذیرتر هستند و احتمال از دست‌دادن مشاغل افزایش خواهد داشت. در زمان جنگ ۱۲روزه که هم‌زمان شده بود با ناترازی انرژی، شمار بیمه‌شدگان کاهش پیدا کردند و این می‌تواند به معنی کوچک‌شدن بازار کار و استخدام و جذب افراد باشد. در آن مقطع حدود ۵۵۰ هزار نفر بیمه‌شده رسمی و ۷۰ هزار نفر بیمه‌شده آزاد وجود داشت که این رقم نزولی شدند و هم‌زمان با کاهش بیمه‌شدگان تقاضا برای بیمه بیکاری صعودی شد. این یعنی ورودی صندوق‌های بیمه کاهشی شد و هم‌زمان تقاضا برای

شرق

خروج منابع از این صندوق‌ها افزایش یافت. بنابراین باید گفت وضعیت بازار کار در شرایط فعلی آسیب‌پذیری بیشتری نسبت به شرایط گذشته دارد و بازگشت به شرایط اقتصادی قبل از دهه ۹۰ خورشیدی به‌سادگی ممکن نیست و زمان بر است. از سوی دیگر میزان و مدت استفاده از بیمه بیکاری برای افراد یکسان نیست و به سابقه پرداخت حق بیمه بستگی دارد. به‌طوری‌که شرایط فردی با شش ماه سابقه بیمه با فردی که ۱۰ سال سابقه دارد، تفاوت قابل توجهی دارد. در نهایت این چرخه معیوب منجر به بیکاری می‌شود و قدرت خرید خانوارها کاهش می‌یابد و تقاضا افت می‌کند و رکود عمیق‌تر می‌شود و از سوی دیگر افزایش متقاضیان بیمه بیکاری در کنار محدودیت منابع می‌تواند نپادهای حمایتی را هم با فشار قابل توجهی مواجه کند. حمید حاج‌اسماعیلی، کارشناس بازار کار، توضیح می‌دهد در شرایطی که نگاه‌های اقتصادی آسیب‌پذیر می‌شوند، زنان شاغل به دلیل سهم کوچک‌تر از بازار می‌توانند لطمات اقتصاد را شدیدتر احساس کنند؛ چراکه بازار کار کشور فرصت چندانی در اختیار زنان قرار نداده است و بازیابی مشاغل برای زنان دشوارتر می‌شود. او ادامه می‌دهد: بازار کار ایران هنوز ساختاری سنتی و مردانه دارد؛ حتی در بخش خدمات که نزدیک به ۱۰ میلیون نفر در آن فعال هستند، سهم زنان کمتر از دو میلیون نفر است. این در حالی است که ماهیت بسیاری از مشاغل خدماتی برای زنان مناسب است، اما فرصت برابری برای آنها فراهم نشده و مشارکت اقتصادی زنان در ایران زیر ۱۴ درصد است؛ درحالی‌که طی دو دهه گذشته زنان تحصیلات عالی کسب کرده‌اند و علاقه‌مند به حضور در عرصه‌های اقتصاد هستند اما نه‌تنها شرایط رقابت عادلانه برای آنها وجود ندارد، بلکه بعد از جنگ بخش زیادی از زنان شاغل، به‌ویژه در مراکز دولتی و کارگاه‌ها، جزء اولین گروه‌هایی بودند که شغل خود را از دست دادند و آسیب بیشتری دیدند؛ چراکه دیدگاهی در بازار کار مرسوم است که زنان به اندازه مردان به شغل نیاز ندارند. در صورتی که شمار قابل توجهی از زنان شاغل بازار کار، سرپرست خانوار هستند و به‌مراتب آسیب‌پذیرتر از مردان به شمار می‌آیند و دولت باید این زنان را مورد حمایت جدی‌تر قرار دهد. گذشته از این، درآمد پایین خانوار کارگری و بازنشستگان سبب شده است زنان در تأمین هزینه خانوار مشارکت کنند؛ بنابراین این دیدگاه که زنان کمتر از مردان به شغل نیاز دارند از اساس اشتباه است. این کارشناس بازار کار تاکید می‌کند درآمد سرانه خانوار ایرانی پایین است و چنین تکنیک‌های جنسیتی و پیش‌داوری‌ها در بازار کار، زنان را در معرض بیکاری بیشتر و امکان کمتر بازیابی شغل قرار داده است و این موضوع در شرایط فعلی کشور ضرب اهمیت بیشتری پیدا می‌کند و زنان را بیشتر زیر فشار قرار می‌دهد.حاج‌اسماعیلی در ادامه توضیح می‌دهد بیش از وقوع جنگ، اقتصاد ایران با رکود تورمی روبه‌رو بود و بازار کار به‌واسطه این چالش با محدودیت‌های جدی مواجه شد. ضمن اینکه افزایش تورم بازار مصرف را کوچک‌تر و نگاه‌ها را با کاهش درآمد واقعی و نه تورمی مواجه کرده است اما در همین بوجوه، کشور با جنگ مواجه شد و مدتی به‌ناچار و به‌واسطه تهدیدهای جانی و امنیتی، بسیاری از کسب‌وکارها تعطیل شدند و برخی کارگاه‌ها که پیش از جنگ نیز مشکلاتی داشتند، به‌طور کامل تعطیل شدند. او می‌افزاید: اگرچه بخش عمده اشتغال کشور به خدمات مربوط می‌شود اما این بخش هم طی یک سال گذشته به دلیل جنگ ۱۲روزه و جنگ ۴۰روزه با مشکلات بیشتری روبه‌رو شده است. در بخش صنعت که در زمان گذشته مشکلات جدی وجود نداشت، بروز جنگ و حملات مربوط به آن باعث شد نزدیک به سه هزار نگاه در ایران آسیب ببینند و حدود ۵۰۰ واحد تولیدی و صنعتی به‌طور کامل تخریب شسوند؛ برای مثال، صنعت فولاد با حدود ۲۸ هزار کارگر با مشکلات اساسی مواجه شد و بسیاری از کارکنان این بخش به بیمه بیکاری روی آوردند.

این کارشناس تاکید می‌کند شمار زیادی از بیکارشدگان جنگ و از جمله زنان بیمه نداشته‌اند و ۲.۵ تا سه میلیون شاغلان کشور در مشاغل غیررسمی مانند دست‌فروشی و کارگری فصلی اشتغال دارند که هم‌اکنون وضعیت به‌مراتب بفرنج‌تری را تجربه می‌کنند؛ بنابراین نیاز است دولت اولویت‌های حمایتی برای بیکارشدگان قائل شود و منابع موجود را با اولویت گروه‌های آسیب‌پذیرتر از جمله زنان تخصیص دهد.

لوتزین

LONGINES

SARMAN Co.

شرکت سرمان

۰۲۱ ۲۲ ۶۱ ۳۷ ۵۲



CONQUEST HERITAGE